

از جنگ لفظی دایی با رویانیان تا منصوریان و آقای مالک!

رابطه سینوسی مدیران و مربیان فوتبال از عرش به فرش



هواداران جا بیفتد که حمید استیلی با چیدن یک سناریوی از پیش تعیین شده جای دایی را گرفته؛ نتیجه چه شد؟ پرسپولیس در اولین دیدار فصل در ورزشگاه آزادی مقابل ملوان با وجود اینکه توانسته بود توسط حسین بادامکی گل تساوی را بزند اما هفتاد هزار نفر با شعار «علی دایی» اعتراض خود را نسبت به حضور استیلی اعلام کردند و آن فصل سرخ‌پوشان دیگر رنگ خوش به خود ندیدند! هر چند بعدها که حبیب کاشانی گفت پاداش جام حذفی را هم به دایی خواهم داد، در یک مراسم فوتبالی، شهریار فوتبال ایران و حبیب کاشانی با یکدیگر روبوسی و مشکلات خود را برطرف کردند.

رویانیان و دایی؛ ارتباط سینوسی!

با آغاز مدیریت محمد رویانیان در پرسپولیس، خریدهای نجومی و بمب ترکاندن‌ها نیز شروع شد. رویانیان که تخصصی در فوتبال نداشت تلاش کرده بود با خرید بازیکنان باکیفیت آن سال‌ها محبوبیتی بین هواداران کسب کند. علی دایی هم دیگر در این تیم حضور نداشت و سرمربی راه‌آهن شده بود. حضور علی کریمی، رحمان رضایی، علیرضا نیکبخت و... در پرسپولیس، یکی از پرستاره‌ترین تیم‌های آن سال‌ها را رقم زده بود. پرسپولیس اما بازم نتایج درخور شآنی را کسب نمی‌کرد. در مهرماه ۱۳۹۰ علی دایی که سرمربی راه‌آهن بود در نقل قول معروفی به حمایت از رویانیان برخاست و گفت: «حاضر به رویانیان مشاوره فوتبالی بدهم تا او با پرسپولیس موفق شود!» رویانیان نیز پاسخ علی دایی را بسیار محترمانه داد و از او تشکر کرد. ورق اما در عرض چند روز برگشت چرا که علی دایی در یک نشست خبری اعلام کرد بارها به باشگاه پرسپولیس نامه زده که طلب دو فصل پیش را پرداخت کنند اما مدیرعامل باشگاه‌شان می‌گوید آه در بساط نیست: «بارها به باشگاه پرسپولیس نامه زدم که حق زن و بچه من را بدهید اما رویانیان می‌گوید آه در بساط نیست. اگر آه در بساط نیست این خریدهای نجومی را چطور انجام می‌دهید؟ نکته شما از اول مولتی میلیاردر بودی؟»

رویانیان نیز در پاسخ به صحبت‌های علی دایی گفت: «آقای دایی این را بدان که شما از کنار پرسپولیس به همه چیز رسیدی و نباید گذشته را فراموش کنی که از همین تیم به اروپا و سایر تیم‌ها ترانسفر شدی! پرسپولیسی عزیز! این را بدان در روزهایی که هواداران پرسپولیس ناراحت بودند شما در ورزشگاه آزادی مشت‌هایت را گره کردی و آنها را بیش از پیش عصبانی کردی. این رفتارها را هیچکس فراموش نخواهد کرد!» شاید کمتر پیشگویی می‌توانست تصور کند که این دو یک روز باهم کار کنند! رویانیان در سال ۹۱ به علی دایی پیشنهاد هدایت پرسپولیس را داد و با عقد یک قرارداد سنگین و قابل توجه، او به پرسپولیس آمد. همین قرارداد سه ساله تا مدت‌ها یقه باشگاه پرسپولیس را گرفته بود و تا دو مدیر بعدی نیز درگیر شکایت علی دایی از پرسپولیس بودند چرا که رقم آنقدر سنگین بود که باشگاه را با چالش جدی رو به رو ساخته بود.

منصوریان: «به خاطر زنوزی به تراکتور آدمم!»

علیرضا منصوریان که فصل گذشته در ذوب‌آهن نتایج خوبی کسب نکرده بود برای لیگ بیستم با پیشنهاد باشگاه تراکتور مواجه شد و خیلی زود این قرارداد منعقد شد. طبق معمول مالک تراکتور قرارداد بلندمدتی را با سرمربی بست. صحبت‌های منصوریان بعد از عقد قرارداد با تراکتور اما جالب توجه بود: «به خاطر احترام و علاقه‌ای که به آقای زنوزی و باشگاه تراکتور دارم خیلی زود پیشنهادشان را پذیرفتم. آقای زنوزی مثل برادر بزرگتر من است!» علیرضا منصوریان که همین هفته پیش به شکل باور نکردنی از هدایت تراکتور کنار گذاشته شد صحبت‌های عجیبی را علیه مالک باشگاه تراکتور مطرح کرد. از جمله مهم‌ترین صحبت‌های منصوریان با سلاخی شدن دو باشگاه پرسپولیس و استقلال توسط زنوزی در صورت اینکه بتواند در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال رای بیابور و تا اینکه آقای مالک (!) در تلاش بود تا ده روز پیش از شروع مسابقات او را برکنار کند. جمله پایانی منصوریان اما جالب‌تر بود: «اخراج و برکناری من تبعات دارد و اینطور نیست که شخصی بی‌احترامی کند و برود...!»



سیهر خرمی

علیرضا منصوریان دوشنبه این هفته با حضور در برنامه «فوتبال برتر» پاسخگوی سؤالات و ابهام‌های محمدحسین میثاقی بود. منصوریان که قرار بود درخصوص نتایج اخیر استقلال در لیگ برتر و نایب‌قهرمانی پرسپولیس در لیگ قهرمانان آسیا صحبت کند به یکباره سفره دلش را باز و نسبت به بی‌مهری مالک باشگاه تراکتور یعنی محمد زنوزی نقدهای جدی‌ای را مطرح کرد. رابطه محترمانه بین مدیرعامل، مالک و سرمربی که بعدها به شکل عجیبی شکرآب می‌شود در فوتبال سابقه طولانی دارد که به ترتیب بازه زمانی رخ داده را بررسی خواهیم کرد؛ از اخراج ناگهانی زلاتکو کرانچار از پرسپولیس و انتصاب علی دایی به جای او توسط حبیب کاشانی و جملات عاشقانه علی دایی و محمد رویانیان تا درگیری این دو در رسانه‌ها و در آخر شکرآب شدن رابطه منصوریان با مالک باشگاه تراکتور بعد از احترام ماورایی که بین این دو حاکم بود:

کاشانی، دایی تا شکسته شدن رکورد طولانی‌ترین برنامه نود

پرسپولیس بعد از قهرمانی در لیگ برتر با افشین قطبی روزهای پرتلاطمی را تجربه می‌کرد تا اینکه زلاتکو کرانچار سرمربی این تیم شد. او کارنامه قابل قبولی در فوتبال ایران داشت اما حبیب کاشانی به او اولتیماتوم ۴ هفته‌ای داد و دست برقضا کرانچار نیز در آن چهار هفته ۱۰ امتیاز برای پرسپولیس کسب کرد اما در کمال شگفتی، کاشانی کرانچار را از کار برکنار کرد تا علی دایی در سال ۱۳۸۸ سرمربیگری پرسپولیس را در میانه راه به عهده بگیرد. پرسپولیس با کرانچار رتبه سوم را در اختیار داشت اما در پایان فصل با علی دایی رتبه چهارم را کسب کرد، هرچند پیروزی در دربی با مربیگری علی دایی آنقدر ارزشمند بود تا کاشانی تمایل داشته باشد یک فصل دیگر با دایی ادامه دهد. شروع فصل بعد اما رابطه علی دایی و حبیب کاشانی روز به روز تیره‌تر شد. با افزایش قدرت لیدرها در باشگاه، تنش و زد و خورد زشتی میان دایی و یکی از لیدرها شکل گرفت و پای چشم دایی با مشت آقای لیدر سرخ شد! شهریار از افزایش قدرت لیدرها در باشگاه به واسطه اختیاری که کاشانی به آنها داده بود شکایت داشت و معتقد بود شعارهای داخل ورزشگاه علیه او کاملاً سازمان یافته (از سوی مدیریت) است. پیش‌تر نیز علی دایی از روزنامه هواداری باشگاه گله کرده بود که چطور حبیب کاشانی اجازه داده آنها به شکل تندی علیه علی دایی و نتایج قلم بزنند! این پایان کار نبود و حبیب کاشانی و علی دایی به برنامه نود دعوت شدند تا یکی از عجیب‌ترین برنامه‌های آن سال‌های نود که سال دوازدهم خود را پشت سر می‌گذاشت پخش شود. ابتدا حبیب کاشانی به برنامه آمد و اعلام کرد: «آقای دایی از من ناراحت است که چرا روزنامه هواداری باشگاه علیه تیم و شخص او می‌نویسد؟ خب شما انتظار دارید وقتی پرسپولیس ۵ بازی پیاپی را در لیگ برتر شکست خورده، دربی را رفت و برگشت باخته و در لیگ قهرمانان آسیا در بین چهار تیم رتبه چهارم را کسب کرده روزنامه هواداری بیاید و تشکر کند و قریون صدقه سرمربی برود؟ اصلاً امکان ندارد، نمی‌شود نوشت که!» صحبت‌های کاشانی که تمام شد علی دایی به استودیو برنامه نود آمد و تا پیش از اذان صبح پاسخ حبیب کاشانی را داد. در نهایت پرسپولیس با علی دایی به مقام قهرمانی در جام حذفی رسید اما دایی حاضر نشد دیگر با کاشانی ادامه دهد. فصل بعد یعنی سال ۱۳۹۰ سرخ‌پوشان با مدیریت حبیب کاشانی و سرمربیگری حمید استیلی کار را شروع کردند که تنش بین کاشانی و دایی همچنان پابرجا بود چرا که علی دایی در مصاحبه‌ای اعلام کرد آقای کاشانی اصلاً از من لیست بازیکنان مورد نظر را نخواست پس لطفاً به مردم صادقانه بگویند که علی دایی اصلاً جزو گزینه‌های مربیگری پرسپولیس در فصل جدید نبوده است! همین افشاگری علی دایی علیه کاشانی باعث شد تا اینطور بین

آب گرم در رختکن است اما به طور مثال زمین تمرین شهرخودرو دارای ۱۴ دوش آب گرم در رختکن بود که در کنار آن جکوزی و حوضچه آب گرم و سرد هم داشت. رختکنی کامل با تمام امکانات اما تیم‌های ایرانی مانند رانندگانی بدون ماشین بودند که وقتی یک بنز آخرین سیستم را به آنها دادند، بهانه گرفتند که پدال گاز آن سفت است!

استادیوم‌های جام جهانی

قطر تاکنون چهار استادیوم از هشت استادیوم جام جهانی را افتتاح کرده است. استادیوم خلیفه، الجنوب و اجوکیشن سیتی که پیش از این افتتاح شده بودند و در لیگ قهرمانان آسیا مورد استفاده قرار گرفتند و استادیوم احمد بن علی (الریان) که یک روز پیش از فینال پرسپولیس و اولسان هیوندای افتتاح شد. استادیوم البیت هم در حال حاضر آماده بهره‌برداری است و چیزی به افتتاح رسمی آن نمانده؛ در کنار سه استادیوم نخست، جاسم بن حمد یا همان استادیوم اختصاصی السد هم میزبانی لیگ قهرمانان آسیا منطقه غرب و شرق را به عهده داشتند که چمن این استادیوم‌ها کیفیت لازم را داشتند و با وجود برگزاری دو بازی در یک روز، بلافاصله ترمیم می‌شدند تا کیفیت خود را از دست ندهند. حتی اگر قسمتی از چمن آسیب جدی دیده بود، چمن به صورت کامل تعویض می‌شد.

پخش تلویزیونی

ادامه داشتن مسابقات لیگ قهرمانان آسیا برای AFC اهمیت بسیار بالایی داشت، چرا که در آمد میلیونی این کنفدراسیون به برگزاری این مسابقات و پخش تلویزیونی آن داشت. با توجه به اتمام قرارداد اسپانسر AFC در پایان سال ۲۰۲۰ که پخش تلویزیونی را هم به عهده داشت، در صورت عدم برگزاری لیگ قهرمانان ۲۰۲۰، کنفدراسیون فوتبال آسیا را با ضرر و زیان هنگفتی مواجه می‌کرد. از همین رو برگزاری مسابقات و پخش تلویزیونی آن بسیار حائز اهمیت بود. تولید و پخش تلویزیونی مسابقات را شبکه الکاس به عهده داشت. این شبکه تلویزیونی قطری تمام امکانات، تجهیزات و نیروهای خود را در لیگ قهرمانان آسیا به کار گرفت که از این طریق AFC و اسپانسرش توانستند به تعهدات خود عمل کنند. این بخش از میزبانی قطر، یکی از مهم‌ترین بخش‌های لیگ قهرمانان آسیا بود که تولید و پخش با بالاترین کیفیت انجام شد. شبکه تلویزیونی الکاس سال ۲۰۰۶ و همزمان با بازی‌های آسیایی به میزبانی قطر افتتاح شد و امروز یکی از غول‌های تلویزیونی دنیا در تولید و پخش برنامه‌های ورزشی است. شبکه‌ای که تأثیر بسیار مهمی در گرفتن میزبانی‌های مهم قطر داشته و یکی از فاکتورهای اصلی نیز محسوب می‌شود.

پروکتل‌های بهداشتی

میزبانی قطر در شرایط کرونایی شگفت‌انگیز بود. پروکتل‌ها در قطر اینگونه است که هر مسافری (شهروند یا غیر شهروند) وارد قطر شود مطابق با کشور مبدأ باید به ۷ یا ۱۴ روز قرنطینه برود اما وزارت بهداشت قطر برای لیگ قهرمانان آسیا شرایطی استثنایی در نظر گرفت. به این شکل که تمام افراد مرتبط با این مسابقات از جمله تیم‌ها، داوران، مسئولان برگزاری و اسپانسر‌ها پس از انجام یک تست و منفی بودن جواب آن بتوانند از قرنطینه خارج شوند. تمام این افراد نیز باید در حباب ایمنی قرار می‌گرفتند که ترددی در محیط آلوده احتمالی نداشته باشند و به همین شکل ایمنی بهداشتی مسابقات نیز حفظ شد.

در طول مسابقات لیگ قهرمانان آسیا بالغ بر ۳۰ هزار تست PCR گرفته شد که تقریباً هر سه روز یک بار از همه افراد تست گرفته می‌شد. در کنار آن در جای جای محل اقامت، تمرین و استادیوم‌ها مواد ضدعفونی‌کننده و ماسک وجود داشت که مورد استفاده قرار بگیرد. این در حالی بود که با وجود ایجاد حباب ایمنی و کنترل رفت و آمدها، بازهم ضدعفونی استادیوم‌ها، زمین‌های تمرینی و هتل‌ها به صورت مرتب انجام می‌شد.

رقیب ایران در کسب میزبانی جام ملت‌ها

قطر در چنین شرایطی و در طول ۵۰ روز میزبانی لیگ قهرمانان آسیا را انجام داد و نصرهای کاملاً مثبت از این میزبانی گرفت. به طوری که اکنون جدی‌ترین گزینه برای میزبانی لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۱ است. حالا با این شرایط که آنها دو روز پیش از فینال لیگ قهرمانان آسیا هم میزبان بازی‌های آسیایی ۲۰۳۰ شدند، این فرصت به ایران خواهد رسید که میزبان جام ملت‌های ۲۰۲۷ باشد؟ آن هم در شرایطی که قطر یکی از نامزدهاست و با تصویر مثبتی که از خود بجا گذاشت، اصلی‌ترین شانس برای میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ نیز محسوب می‌شود. بسیاری ثروت قطر را عامل موفقیت این کشور می‌دانند اما همین ثروت یا بیشتر در کشورهای زیادی دیده می‌شود. تمام نفت و گاز قطر، مسلماً در کنار منابع انرژی ایران چیزی به حساب نمی‌آید. در کنار آن ثروت ایران فقط نفت و گاز نیست و معادن و فلزات ایران نیز جزو مهم‌ترین عنصرهای درآمدزایی کشور هستند. با این حال چرا حداقل در فوتبال نتوانسته‌ایم حتی نزدیک به کشوری کوچک در جنوب خلیج فارس شویم؟ همسایه‌ای که با آنها میدان گازی مشترک داریم اما هدف مشترک یا مشابه هم، به هیچ‌وجه.

منابع در قطر به درستی مدیریت و سرمایه‌گذاری می‌شود. این کشور با درآمد حاصل از نفت و گاز خود سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در دنیا انجام داده که یک نمونه از آن هواپیمایی قطر ایرویز است که حتی در این روزهای کرونایی که بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی دنیا در حال تعطیل شدن هستند، بار اصلی جابه‌جایی مسافر در دنیا را به دوش گرفته است. حالا سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع آنها در فوتبال که جای خود دارد. پس صرفاً پول و ثروت کشوری را به موفقیت نمی‌رساند، مدیریت آن چیزی است که قطر را به کشوری موفق در آن سوی خلیج فارس تبدیل کرده است.